



۰۲/۰۴/۲۰۱۷



محمد داؤد مومند

مکتی بر مضمون محترم شاغلی سدید در مورد علامه صاحب افغان و امیر عبد الرحمن خان

مضمون بسیار جالب شاغلی سدید را یک روز قبل درین وب سایت مطالعه نموده و آن را، جالب ترین مضمونی یافتم که تا امروز از قلم شاغلی سدید خوانده ام، شاغلی سدید اولین پاراگراف خود را بقول خود شان از یک نویسنده صاحب نام، نقل نموده ولی شاغلی سدید، جسارت آن را نداشته که اسم آن نویسنده صاحب نام، را تذکر دهند که در نتیجه ذهن خواننده را با این سوال مواجه میسازد که چرا شاغلی سدید از تذکر نام آن نویسنده اجتناب ورزیده و آن نویسنده صاحب، نام کی خواهد بود؟

هم چنان شاغلی سدید از ... افغان دیگری، ..خسر شان ... غلام بچه ... و غلام حیدر نام تذکر میدهند که فهم و شناخت آن ها برای شخص « هفته فامی » مانند من خالی از مغشوشیت نیست، ضمناً شاغلی سدید که احساسات ملی گرایی و ارجحیت منافع ملی خود را به حد اعلی درین مضمون منعکس میسازند به عوض استعمال کلمات و اصطلاحات معمول و مروج خودی و ملی، اصطلاحات ایرانی را به عاریت گرفته، که مقبول و معمول به نظر نمیرسد، چنانکه شاغلی سدید عوض محکمه، داد گاه، عوض شفاخانه، بیمارستان و عوض بیمه تقاعد از کلمه بیمه باز نشستگی کار گرفته اند.

مطالعه مقاله شاغلی سدید نه تنها، بر عکس پیشگویی شان حد اقل در مورد خودم، که برای این جانب ملی گرایی مذهب دوم تلقی میگردد، مایه عصبانیت من نه گردید بلکه مبتنی بر حقایقی که در آن نهفته است، آن را دو بار خواندم و حظ بردم، و بدین منوال احساس و درک خود را در زمینه خدمت شان انعکاس میدهم. امیدوارم محققین محترم امثال شاغلی احسان لمر، شاغلی داکتر کاظم و شاغلی استاد سیستانی و دیگران، آن را مورد تحلیل و نقد قرار دهند، بخصوص که استاد داکتر صاحب کاظم و استاد صاحب سیستانی چند سال قبل مطالب جالبی در مورد امیر مذکور نوشته بودند.

یکی از پاراگراف های شاغلی سدید که بگوش من سامعه نواز و حیثیت سروش آسمانی را داشت ذیلاً نقل مینمایم: « ننگین ترین عمل امیر امضای قرارداد دیورند بود، که بخش های وسیعی از خاک ما را مطابق میل و تقاضای انگلیس ها در اختیار هند برتانوی قرار داد. قرار دادی که تا امروز گریبان ما را گرفته است، و سبب تمام بدبختی ها و نا آرامی های ما شده و هرچه خونی که در کشور ما امروز میریزد، در نتیجه همین امضای قرارداد شرم آور و رسواست که امیر تنها برای حصول رضایت ملکه که امیر او را « مادر » خطاب مینمود و ماندن در اریکه قدرت امضا نموده بود . با چنین خفتی، امیر را بیسمارک خواندن، چقدر مضحک و شرم آور است. ختم نقل قول» شاغلی سدید در زمینه اینکه امیر مذکور در برابر انگلیس اینقدر بیچاره و درمانده نبود که خود را در مقام غلامی انگلیس قرار دهد، نقل قولی دارد از صدیق فرهنگ بدین مضمون:

« در صورتی که انگلیس ها در جنگ های خوست، خیبر، گرشک، قندهار، قلات، غزنه و میوند، مغلوب گردیده بودند و در کابل هم تحت خطر استیصال قرار داشتند، چه ضرورتی، امیر را وادار ساخت که بر وفق آن، شروط و اطاعت انگلیس را بپذیرد؟ و سوم، چرا باید امیر توسط سران یک لشکر شکست خورده و در حال استیصال، یعنی درمانده و بیچاره، پذیرفته شود، و نه رهبری که در رأس ده ها هزار مجاهد سر به کف و مصمم قرار داشت و پیروزی هم در انتظارش بود، انگلیس ها را بپذیرد؟ »

نگارنده این سطور به این ادعای شاغلی سدید که امضاء مقوله دیورند عامل تمام بدبختی های کشور و ملت افغان است موافقت کامل داشته علاوه مینمایم که در صورت عدم تجزیه خاک ما توسط قرارداد دیورند امروز کشور ما از وحدت بزرگ ملی و شگوفانی عظیم اقتصادی برخوردار بوده و کشوری بنام پاکستان وجود نمیداشت که حیثیت غده سرطانی را در منطقه داشته و تا هنوز از طرف دولت استعماری ایالات متحده حمایت میگردد، که بعد از

د پائو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابلئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاډونه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

اسراییل مقام دوم را نزد شان احراز نموده است. شاغلی سدید در مورد شخصیت سیاسی، اخلاقی و روانی امیر مذکور چنین توضیحاتی ارائه میدارند:

« آیا ممکن است در شرایط و در کشوری که تنها یک انسان دیو صفت با استبداد و انانیت حکومت میکند، با تند خوبی و خود رانی مطلق و انواع شکنجه های هولناک، با هزاران خبر چین (مخبر- مومند) و عسس و موجودیت سیاه چال ها، بر افراشتن دار ها، واسکت بریدن ها، تیل داغ کردن ها، ترویج انسان فروشی، چشم کشیدن ها و صدها نوع جنایت دیگر، شخصیت با ارزشی، شخصیت مستقلی و شخصیت پویا و پرکاری، شخصیتی که بتواند آزاد باشد و آزاد عمل کند و مصدر خدمت به کشورش شود به وجود بیاید؟.....جایی که همه را می دوشند تا تنها قوم امیر در ناز و نعمت زندگی کنند....ختم»

شاغلی محترم سدید در پاراگراف دیگری در مورد علامه صاحب افغان چنین مینویسند:

« سید تنها در هند نه، که در سراسر جهان اسلام، تا جایی که آوازه کار و افکار او رفته بود، معروف بود و مردم او را دوست میداشتند. در بسیاری از کشور ها با علاقه و خوشی زیاد از افکار و رهنمایی های او استفاده شد. حرکت های سیاسی و آزادی طلبی و ملی بر طبق اندیشه ها به آرزو های وی بوجود آمد. از کلکته تا حیدر آباد و از حیدر آبد تا شمال غرب هند آن زمان و تهران و بغداد و شام و اسلامبول و قاهره و پاریس و لندن دست به تربیت روز نامه نویس و نشر جریده و دفتر و کتاب زد و فعالان سیاسی را پرورش داد که علاوه بر تبلیغ و ترویج اندیشه های وی عملا علم مخالفت با استعمار را بلند نمودند، آیا امکان اینکار در افغانستان در افغانستان میسر نبود؟ چرا امیر این چنین امکاناتی را برای وی در افغانستان فراهم نکرد؟

چرا این دو مرد، امیر و سید، نتوانستند با هم کنار بیایند؟ چرا این دو مرد با همه مشترکاتی که با هم داشتند، مانند افغانیت و مسلمانی و پشتون بودن و... نتوانستند با هم همکاری کنند؟ ختم »

با کمال تأسف ملاحظه میگردد که محترم سدید به حیث یک شخص با سواد، اهل قلم و کتاب و مطالعه و تحقیق، با گفتار و ادعاهای ضد و نقیض و بی بنیاد، چنان از منطق فاصله میگیرد که موجب تعجب انسان میگردد، محترم سدید تا جاییکه ممکن است از یکطرف به توضیح و معرفی شخصیت ضد افغانی، ضد اسلامی، ضد بشری امیر به حیث یک جانی و سادیست و برده انگلیس و غلام ملکه و حکومت هند برتانوی میپردازد و از جانی هم در مورد شخصیتی که سمبول تقوی، مبارزه علیه حکومت ضد ملی و اسلامی، جهاد علیه پالیسی های استعماری، مبارزه علیه استعباد و حمایت از عدالت اسلامی و حق پرستی یعنی علامه صاحب افغانی است، داد سخن میزنند ولی در عین زمان تلاش دارند که این دو شخصیت کاملا متضاد را که از هرنگاه متصور، در اقطاب مخالف و متضاد قرار دارند، بنابر اشتراک مشترکات، کلا و کاملا تخیلی و مستحیل، تحت عناوین: افغانیت، مسلمانی، شرقی و پشتون بودن و.... به هم پیوند دهند.

امیر مذکور که اخیرا شاغلی باری جهانی، طی مضمون خود تصویر جامعی از شخصیت او ترسیم کرده اند که شاید تا امروز محقق و مؤرخ دیگری توفیق همچو توضیح دقیق در مورد امیر مذکور را نکرده باشد، مدت هفده سال ملت را در حالت بردگی نگاه داشت، آیا از همچو امیر ددمنش و غلام حکومت هند برتانوی، میتوان توقع نمود که از شخصیت بزرگی مانند علامه صاحب، در راه ترقی و تعالی کشورش استفاده نماید، آیا او هرگز به فکر ترقی کشور و رشد ذهنی مردم خود بود؟ این خیال است و محال است و جنون.

آیا ممکن بود سید افغان با تمام افکار انقلابی اش که هدف اول و اساسی او از بین بردن حکومت امیر عبد الرحمن بود، از دست امیر زنده بماند؟

ناگفته نماند که آنانیکه فطرتا شاگرد مکتب منشی فلورانس هستند و به مشرب امیر مذکور حکومت میکنند، طرح مسأله قومیت نا موجه به نظر میرسد و تنها خصلت طبقاتی و ارتباط منافع و ارجحیت حرص و آز منفعت پرستی و ذهنیت قدرت پسندی و قدرت پرستی ایشان وسیله ارتباط، با گروپ و گروه مماثل است، که محترم سدید در زمینه مطالعات ژرفی دارند و به علمیت این قاعده مستشعر و معتقد اند. امیر مذکور به همان اندازه که دشمن، هزاره دشمن خود بود به همان پیمانانه دشمن، پشتون دشمن خود بود.

اینکه شاغلی سدید مینویسند که: « چرا سید که گفته میشود در کثر و در میان پشتو زبانان بزرگ شده است، حد اقل یک مقاله هم به زبان پشتو نوشته است؟ » نه تنها موجب تعجب شاغلی سدید میباشد بلکه یگ گلابیه هم وطنان پشتون تبار سید، از آن بزرگوار میباشد، و یا اینکه نظر به دلایلی، نوشته های علامه صاحب به زبان اکثریتی افغانی پشتو، از بین رفته باشد.

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلینکې د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

دوست دیرینم شاغلی داکتر رحمت زیرکیار مدت بیست سال قبل همچو گلایه خود را از سید بزرگوار ضمن یک مضمون خود، ابراز داشته است. اما در قسمت ملیت سید، همینکه او خود را بنام جمال الدین افغان متخلص ساخته و برخی از کشور های از جهان، مسقط الرأس او را افغانستان میداند، برای هر فرد افغان کفایت میکند که او را افغان و از خود بداند. آنچه در مضمون شاغلی سدید به ارتباط ملیت علامه صاحب افغان برابم جدید بود، اینکه متکی بر تفصیل فرهنگ دهخدا از قلم شیخ محمد عبده، است که علامه صاحب اصلا ایرانی بود..... در حالیکه این قلم قبلا از زبان و قلم شیخ محمد عبده در جایی خوانده بودم که علامه صاحب اصلا افغان و از افغانستان بود. علامه داکتر اقبال شاگرد غیر مستقیم علامه صاحب افغان، در کتب خود او را افغان و از افغانستان میداند. با عرض حرمت نوت: امیدوارم نارسای های املائی و تایپی مرا معفو فرمایید.

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د ليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ